

۱۳۲. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی» / نیمه اول ۱۳۸۷

- ۱۸- عزیزی، عباس (۱۳۷۶) فضایل و آثار مسجد در آیین‌های قرآن و حدیث، قم: انتشارات نبوغ.
- ۱۹- محرمی، غلامحسین (۱۳۷۹) نقش مسجد در جامعه‌ی اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی یمینی.
- ۲۰- اسلامی، رضا (۱۳۷۷) مسجد، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقاتی رشد همگان سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- فلاح زاده، محمد حسین (۱۳۷۸) احکام مسجد، قم: انتشارات نورالسجاد.
- ۲۲- میر سندسی، سید محمد (۱۳۷۸) مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی دین در کتاب «وضعیت تحقیقات فرهنگی اجتماعی در ایران»، به همت منوچهر محسنی و مسعود کوثری. تهران: نشر رسانش.
- ۲۳- زکریا، محمد علی (۱۳۷۴) اندیشه موضوعی دکتر علی شریعتی: دفتر چهارم فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی (قسمت اول)، تهران: انتشارات الهام.
- ۲۴- محمدی، مجید مسجد و جامعه، در کتاب: مسجد ساحل دل‌های فیروزه ای.
- ۲۵- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی فاطمه شایسته، شعبان علی بهرامپور، رضا ذوالقدر مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی و محمد جواد غلامرضا کاشی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه شناختی به گفتمان های..... ۱۳۱

- ۷- خمینی ، روح الله ، صحیفه‌ی نور، دوره‌ی ۲۲ جلدی ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- قبادیانی، ناصر خسرو(۱۳۶۳) سفرنامه، به کوشش دکتر نادر وزین پور ، تهران : کتاب‌های جیبی .
- ۹- مرکز آمار ایران(۱۳۷۵) نتایج طرح تهیه‌ی شناسنامه‌ی مساجد و اماکن مذهبی کشور، چاپ اول، تهران : مرکز آمار ایران. همشهری ۷/۵/۱۳۷۲. مساجد کشور؛ چشم انتظار زیباسازی.
- ۱۰- رحیم نوبهار (۱۳۷۵) مسجد نمونه ، بررسی ویژگی‌های مسجد نمونه در زمینه های عبادی ، فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، نظامی، تهران : ستاد اقامه‌ی نماز.
- ۱۱- دربندی، علیرضا (۱۳۷۴) تبیین جامعه شناختی علل کاهش حضور مردم در مساجد، تهران: دفتر پژوهش‌های اجتماعی.
- ۱۲- رایس، دیوید(۱۳۷۵) هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۳- قدوسی، محمد حسین (۱۳۷۹) بررسی شیوه ها و راهکارهای علمی تأمین منابع غیر دولتی و ارتقای سطح مشارکت عمومی در امور مختلف مساجد.
- ۱۴- سجادی، سید مهدی (۱۳۷۹) بررسی و تبیین امکان و ضرورت رابطه‌ی مسجد و مدرسه به منظور ارائه‌ی راهکارهایی ثابت برای بهبود ارتباط فیما بین.
- ۱۵- محرمی، غلامحسین (۱۳۷۹) نقش مسجد در جامعه‌ی اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان. قم: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی یمینی.
- ۱۶- هیل ، درک و گرابار ، اولگ (۱۳۷۵) معماری و تزیینات اسلامی، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی دانشمند ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۷- ریمون ، آندره (۱۳۷۰) شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ترجمه‌ی حسین سلطان زاده، تهران: انتشارات آگاه .

۱۳۰. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی» / نیمه اول ۱۳۸۷

باشد. با توجه به روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ و با توجه به تأکید این دولت بر بازگشت به "گفتمان ایدئولوژیک انقلابی"، و تأکید بر وجوه کارکردی و سیاسی نهادهای دینی و به‌خصوص مساجد، می‌توان هم‌چنان شاهد چالش‌های بیشتر گفتمان‌های رقیب درباره‌ی مسجد در ایران بود. تحلیل این چالش‌ها و پیامدهای آن می‌توان دستور کار فوری برای مطالعه‌ی جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مسجد در ایران معاصر باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- طاهریان (۱۳۷۰) «مسجد، مسجدها و چند کلمه حرف حساب»، مجله‌ی زائر، شماره‌ی ۷۰.
- ۲- ناری ایبانه، محمد رضا (۱۳۸۲) «مدل کارکرد جهانی مساجد» مجله‌ی مسجد، شماره‌ی ۷۰، ۱۸-۲۵.
- ۳- یازبک حداد، ایوان و لومیس، ت. آدیر (۱۳۷۱) گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده‌ی آمریکا، ترجمه‌ی افضل وثوقی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۴- ابوالقاسمی، محمد جواد (۱۳۸۴) به سوی توسعه‌ی فرهنگ دینی در جامعه‌ی ایران، تهران: انتشارات عرش پژوه.
- ۵- ابوالقاسمی، محمد جواد و محسن فرمهینی فراهانی (۱۳۸۳) پژوهشی در آسیب‌شناسی توسعه‌ی فرهنگ دینی با نگاهی به دهه‌ی گذشته، تهران: انتشارات عرش پژوه.
- ۶- ابوالقاسمی، محمد جواد و سید مهدی سجادی (۱۳۸۳) پژوهشی در چالش‌های توسعه‌ی فرهنگ دینی، تهران: انتشارات عرش پژوه.

در پایان مایلیم بر اهمیت و ضرورت توسعه‌ی مطالعات مسجد تأکید کنیم. همان‌طور که ارغون استدلال می‌کند مطالعه‌ی مسجد یک ضرورت فوری در تمام جوامع اسلامی است؛ زیرا کارکردها و کاربردهای مسجد امروز تغییر یافته است و این تغییر بیان‌کننده‌ی نوعی انفصال در روابط سنتی پذیرفته شده‌ی مسلمانان با محل عبادت آنها است (ارغون^۱: ۱۹۹۴: ۲۶۸). ما این تغییرات را در برخی نقاط جهان مانند چین، آمریکا، و جهان اسلام نشان دادیم. تغییر کارکردها و کاربردهای مسجد در کنار اهمیت یافتن و احیای جایگاه و نقش مسجد در سراسر جهان بوده است. در بخش نخست نشان دادیم که دین در جهان معاصر اهمیت یافته است و مراکز و سازمان‌های دینی مانند کلیساها و مساجد مجدداً اهمیت سیاسی و اجتماعی پیدا کرده‌اند. این اهمیت در کشورهای مسلمان و به‌خصوص ایران که دارای حکومت دینی است بسیار بیشتر است. مطابق اطلاعات سرشماری مراکز فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷۸۹۰۸ مرکز مذهبی در ایران وجود دارد. این مراکز اغلب فعال هستند و نقش مهمی در حیات فرهنگی ایران ایفا می‌کنند. ۵۷۶۳۵ یعنی ۷۳ درصد مراکز مذکور را مساجد تشکیل می‌دهند (نشریه‌ی مسجد، شماره‌ی ۵۸). با توجه به این واقعیت، نمی‌توان جامعه‌ی ایران را بدون در نظر گرفتن انبوه مراکز مذهبی و به‌خصوص مساجد آن شناخت. این نکته‌ای است که محققان اجتماعی ایران تاکنون کمتر به آن توجه عمیق کرده‌اند و این امر شاید یکی از علل کم‌توانی محققان اجتماعی مسائل ایران در تبیین بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی چند دهه‌ی اخیر بوده است. البته همان‌طور که دیدیم در سال‌های اخیر مطالعات مسجد در ایران رونق بیشتری یافته و کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های هنری، معماری، فقهی، اجتماعی و فرهنگی مسجد منتشر شده است (برای نمونه می‌توان به کتاب و مقالات ذکر شده در انتهای این مقاله مراجعه کنید) اما با توجه به آنچه نیاز ما برای شناخت سازوکار مساجد است بسیار اندک است. مسجد موضوعی دست‌ناخورده و بکر برای مطالعات فرهنگی در ایران است و مطالعه‌ی این نهاد می‌تواند نه تنها کمک مؤثری به شناخت بهتر مسجد و جامعه‌ی ایران کند بلکه می‌تواند دستاوردهای نظری ارزشمندی در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دین به‌طور کلی داشته

این زمینه شاهکارهای بزرگ علمی باشد چرا که تجربه‌ی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی کافی در اختیار نداریم.

۲- با توجه به مطالعات موجود می‌توان فهرستی از موضوعاتی که به مثابه‌ی مسائل مسجد است فراهم کرد. این مسائل فرضیات ما برای مطالعاتی آتی خواهند بود. برای مثال، آسیب‌هایی که صاحب‌نظران درباره‌ی نهادهای دینی ذکر کرده‌اند هر کدام می‌تواند فرضیه‌ی مناسبی برای بررسی‌های تجربی باشد. همچنین مسائلی که حداد و لومیس در مطالعه‌ی درباره‌ی مساجد در ایالات متحده‌ی آمریکا بر آنها متمرکز شدند، دربردارنده‌ی نکات روش‌شناختی مهمی است که می‌تواند الهام‌بخش بررسی‌های تجربی آتی باشد. مسائلی که آنها بررسی کرده‌اند عبارت‌اند از:

- محیط و فضای درونی مسجد؛
- تعلق قومی-قبیله‌ای اعضای وابسته؛
- برخورد و عکس‌العمل افراد وابسته به مرکز یا مسجد نسبت به رهبری و تشکیلات و نحوه‌ی اداره‌ی مرکز؛
- برخورد و رابطه‌ی افراد با فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی محل زندگی آنها و مسائل قومی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه؛
- برخورد و رابطه‌ی افراد با نهادهای سیاسی شناخته‌شده‌ی جامعه؛
- نوع آموزش مذهبی ارائه‌شده از سوی مساجد در کلاس‌های ویژه‌ی روزهای تعطیل و در سازمان‌های جوانان؛
- نقش زنان در مساجد و مراکز اسلامی؛
- دیدگاه‌های اسلامی مساجد درباره‌ی مسائل جهانی؛
- درگیری‌های درون سازمان در مساجدی که ساختار قدیم خود را حفظ کرده‌اند و این درگیری‌ها حاصل تأثیر مسلمانان بنیادگرایی است که در دهه‌ی اخیر به آمریکا مهاجرت کرده‌اند (حداد و لومیس، ۱۳۷۱: ۱۳-۲۲).

ایجاد تغییرات سیاسی در جامعه نیست، اگرچه بر کارکردهای عبادی و اجتماعی تأکید می‌کند. گفتمان لیبرال یا سکولار مخالف دخالت مسجد در سیاست است و بر کارکردهای عبادی و نیایشی مسجد تأکید دارد. گفتمان ایدئولوژیک انقلابی مسجد را بر اساس کارکرد سیاسی آن تعریف می‌کند؛ اگرچه کارکرد نیایشی مسجد را نیز در نظر دارد. گفتمان ایدئولوژیک انتقادی، درصدد نقد سیاست‌های دولت و ارائه‌ی تعریفی از نسبت مسجد و حکومت در شرایط جمهوری اسلامی است. این گفتمان درصدد است تا از علوم اجتماعی و روش‌های آن برای شناخت مسجد و توسعه‌ی فرهنگ دینی کمک بگیرد و به‌جای زبان تبلیغی و هنجاری گفتمان ایدئولوژیک انقلابی، بیشتر از زبانی تحلیلی و انتقادی بهره بگیرد. اگرچه این گفتمان هم در نهایت معطوف به سیاست است.

با توجه به مجموعه مباحث گفتمان‌های مسجد در ایران نکات زیر را می‌توان استنباط و نتیجه‌گیری کرد.

۱- دانش سیستماتیک و دقیق لازم درباره‌ی وضعیت مساجد در ایران در اختیار نداریم و گفتمان‌های موجود بر پایه‌ی گرایش‌های سیاسی است. کمبود بررسی‌های نظام‌مند نه تنها درباره‌ی مسجد بلکه درباره‌ی توسعه‌ی فرهنگ دینی به‌طور کلی نیز وجود دارد و همان‌طور که ابوالقاسمی و فرمehینی در ارزیابی درباره‌ی مطالعات اجتماعی مسجد می‌نویسد: «هنوز تحقیقی درخور توجه و نیز جامعی در خصوص آسیب‌شناسی توسعه‌ی فرهنگ دینی صورت نگرفته است و هم‌چنان که فاقد پژوهش نظام‌مند و بنیادین در این زمینه هستیم، از پژوهش‌های تجربی و میدانی نیز بی‌بهره‌ایم» (ابوالقاسمی و فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). این دو محقق بعد از مرور و بیان برخی از تحقیقات موجود در این زمینه اظهار می‌دارند که «آنچه از مرور پیشینه‌ی بحث به‌خوبی بر می‌آید، این است که تحقیقات موجود در زمینه‌ی آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی و بررسی علل و مشکلات آن، پراکنده، بی‌نظم و غیر نظام‌مندند و بیشتر مبتنی بر حدس‌ها، تجربیات و مشاهدات شخصی می‌باشند (همان: ۱۳۳). با توجه به این کمبود، از یک سو ضرورت انجام این مطالعات بیشتر آشکار می‌شود، و از سوی دیگر نباید انتظار داشت که نخستین گام‌ها در

عدم دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ، نهادها و فعالیت‌های دینی» (همان: ۷۶) را یکی از سیاست‌ها پیشنهادی می‌داند و بر «ایجاد بسترها، شرایط، تسهیلات و امکانات لازم برای مردم جهت حضور مؤثر در عرصه‌ی مدیریت و اداره‌ی فعالیت‌ها و نهادهای دینی» (همان: ۷۷) تأکید می‌کند و یکی از سیاست‌های مهم دولت را «تأکید بر استقلال و عدم دخالت دولت در اداره‌ی مساجد، حوزه‌های علمیه و سایر نهادهای دینی و مذهبی مردمی و تمرکز حمایت‌ها و پشتیبانی‌های حکومت بر ایجاد زیرساخت‌های اساسی، در عرصه‌های آموزش، پژوهش، اطلاع‌رسانی و ارتباطات و ارائه‌ی تسهیلات و تخفیف‌های مالیاتی، خدماتی و معنوی» می‌شناسد (همان).

۳- نتیجه‌گیری

درک مسجد در یک نگرش جامع مستلزم بررسی‌های تطبیقی است. همان‌طور که دیدیم مجموعه فرایندهای جهانی مانند ظهور تکنولوژی‌های جدید، وسایل ارتباط جمعی، مهاجرت مسلمانان، گسترش جنین‌های دینی، اهمیت یافتن زنان و جنبش زنان، مدرنیزاسیون، و فرایندهای دیگر بر وضعیت مسجد نه تنها در جهان اسلام بلکه سراسر جهان تأثیر گذاشته است. از این‌رو ما برای درک آن چه مربوط به مسجد است نیازمند مطالعات تطبیقی هستیم تا تنوعات و الگوهای معماری، الگوهای اجتماعی و دینی مسجد در بسترهای اجتماعی و فرهنگی مختلف را با هم و در کنار هم بشناسیم. تنها از این طریق است که می‌توان مسجد و جایگاه و فهم آن را در جهان امروز به‌دست آورد.

بخش دیگر مطالعه‌ی حاضر به بررسی گفتمان‌های مسجد در ایران اختصاص داشت. همان‌طور گفتیم چهار گفتمان مسلط در تبیین و فهم مسجد در ایران وجود داشته است. هر یک از این گفتمان‌ها در یک دوره‌ی تاریخی معین شکل گرفته و با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی، گفتمان دیگری به‌وجود آمده است. با وجود فراز و نشیب‌هایی که این گفتمان‌ها داشته‌اند، هیچ‌یک هرگز از بین نرفته و همواره در حاشیه‌ی گفتمان غالب استمرار پیدا کرده‌اند. این گفتمان‌ها عمدتاً متأثر از شرایط سیاسی ایران بوده‌اند و مهم‌ترین ویژگی که آن‌ها را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد نوع جهت‌گیری سیاسی آن‌هاست. «گفتمان سنتیم جهت‌گیری سیاسی محافظه‌کارانه دارد، و درصدد استفاده از مسجد برای

ابوالقاسمی کاهش اقبال مردم به «دین دولتی» و اسلام سیاسی - نه «دولت دینی» را عمدتاً ناشی از روش و چگونگی دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ دینی می‌داند و می‌نویسد: «اساساً به رغم این که انقلاب اسلامی در عرصه‌ی فرهنگ و اجتماع و سیاست آن هم بر اساس آموزه‌های دینی بوده است، متأسفانه تعریف دقیق از دامنه، حدود و قلمرو دین در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه و تدوین نشده است» (ابوالقاسمی و سجادی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). ابوالقاسمی معتقد است: «در دهه‌ی گذشته نهادها و دستگاه‌های فرهنگی، تبلیغی و دینی در برابر فرایندها و تغییرات اجتماعی وضعیتی انفعالی به خود گرفته اند» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۴۲). مراد وی از «وضعیت انفعالی» احتمالاً عدم دخالت دولت در زمینه‌ی فرهنگ نیست بلکه همان‌طور که گفتیم سازگاری سیاست‌های دولت با تحولات فرهنگی و اجتماعی رخ داده در جامعه یا ناتوانی نهادهای دینی برای هدایت جامعه در مسیر مطلوب دینی است. به اعتقاد ابوالقاسمی دولت در فرهنگ دخالت کرده ولی «شیوه» کار موجب شد نتیجه‌ای برخلاف آنچه انتظار می‌رفته بدهد:

پس از انقلاب به رغم توجه خاص دولت و مجموعه‌ی حاکمیت به مسائل دینی و اعتقادی یکی از آفت‌هایی که در عرصه‌ی فرهنگ دینی از این ناحیه به وقوع پیوسته است، قرار گرفتن دولت در جایگاه تولید هنجار و فرهنگ است. به عبارتی دولت که باید در ابعاد سخت‌افزاری (پشتیبانی و زمینه‌سازی) به امر فرهنگ و معتقدات بپردازد، پس از انقلاب اسلامی دامنه این تصدی‌گری به بخش‌های نرم‌افزاری (تولید هنجار و ارزش) نیز سرایت کرده است. چنین فرایندی به بروز فرهنگ رسمی و فرهنگ واقعی مناسبات اجتماعی و رفتاری مردم منجر شده است. در حال حاضر عرصه‌ی فرهنگ عمومی و به خصوص فرهنگ دینی ما عرصه‌ی جدال پنهان دو شیوه‌ی زیست اجتماعی است. دو گانه‌گرایی اخلاقی در سومین دهه‌ی انقلاب اسلامی به تدریج به سمت چیرگی فرهنگ واقعی بر فرهنگ رسمی پیش می‌رود در این چیرگی نمود و بروز این جلوه‌های دوگانگی آشکار گردیده است (همان: ۴۲).

با توجه به این رویکرد، ابوالقاسمی در بحث خود در زمینه‌ی «سیاست‌های کلان برای استراتژی‌های توسعه‌ی فرهنگ دینی» «تعیین سهم، نقش، عرصه، میزان و نحوه‌ی دخالت و

- کم رنگ بودن فرهنگ پژوهش و تحقیقات در نهادهای دینی؛
- استفاده از روش‌های سنتی و بهره نبردن از تکنولوژی و واقعیات اجتماعی در تبلیغات (ابوالقاسمی و فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۵۹).
فهرست بالا با توجه به این که حاصل دیدگاه‌های شخصیت‌های دینی، سیاسی و فرهنگی است که بسیاری از آنان خود از بازیگران اصلی حوزه‌ی فرهنگ دینی در سال‌های اخیر بوده‌اند و تجربه‌ی نظری و عملی از مسائل حوزه‌ی فرهنگ دینی دارند بسیار حائز اهمیت است؛ در عین حال، مؤلفه‌های اصلی گفتمان ایدئولوژیک انتقادی را نیز بیان می‌کند.

اما شاید مهم‌ترین مؤلفه‌ی این گفتمان، نقد آن به نوع رابطه‌ی دولت و دین و به‌خصوص در زمینه‌ی مساجد باشد. محمد جواد ابوالقاسمی کسی است که احتمالاً بیش از دیگران در این زمینه بررسی‌های تجربی و نظام مند انجام داده است. وی که مؤسسه‌ای با نام «دفتر مطالعات توسعه‌ی فرهنگ دینی معاصر» و انتشاراتی به نام «انتشارات عرش پژوه» برای بررسی و شناخت مسائل توسعه‌ی فرهنگی دینی تأسیس کرده است تاکنون چندین کتاب و گزارش تحقیقاتی منتشر کرده است. ما در این‌جا با استناد به بررسی‌های این مؤسسه و برخی مطالعات دیگر گفتمان ایدئولوژیک انتقادی را معرفی و تحلیل می‌کنیم.

ابوالقاسمی در زمینه‌ی «سطح عمل به مناسک و احکام دینی» با توجه به بررسی‌های تجربی موجود می‌نویسد «پایبندی به تکالیف جمعی دینی، مانند نماز جماعت و حضور در مساجد، مجالس دعا و روضه روند نزولی دارد (همان: ۴۷). اما به اعتقاد ابوالقاسمی این کاهش اقبال مساجد به معنای کاهش اقبال مردم به دین به‌طور کلی نیست، بلکه «دین دولتی» با مشکل مواجه شده است:

«اقبال عمومی به دین رسمی و سیاسی کاهش یافته است. ... اما همچنان شاهد شعله‌ور بودن چراغ دینداری و اعتقاد به مناسبات و مناسک دینی در بین مردم هستیم. از این روند می‌توان تمایز و تشخیص مردم را در دو رویکرد دین دولتی و دولت دینی فهمید. گویی مردم به وضوح متوجه تفاوت «خدمت به دین» و «به خدمت گرفتن دین» هستند» (ابوالقاسمی ۱۳۸۴: ۴۲-۴۴).

- فاصله‌گیری و دور شدن نهادهای دینی از مردم؛
- به روز نبودن نهادها و سازمان‌های دینی به‌ویژه در بعد ارتباطی؛
- کمبود نیروی انسانی متخصص در نهادها و سازمان‌های دینی؛
- عدم ارزیابی کارنامه‌ی گذشته سازمان‌ها و نهادهای دینی به صورت مستمر؛
- غرق شدن در فعالیت‌های روزمره و حال و غفلت از آینده؛
- فقدان نظام مشورت‌گیری و نظرسنجی از نخبگان؛
- دخالت نهادهای متوسط هم‌چون انجمن‌های اسلامی و مساجد در اموری که مربوط به آن‌ها نیست؛
- فقدان نظام آمار و اطلاع‌رسانی دقیق در حوزه‌ی فرهنگ دینی؛
- ناکارآمدی نظام آموزشی در تربیت دینی؛
- تبدیل مراکز علمی (دانشگاه‌ها) به مکان سیاسی؛
- استادان متحرف و نفوذ اشخاص متحرف و غیراسلامی به دانشگاه‌ها؛
- عدم پاسخ‌گویی صحیح و اصولی نسبت شباهت‌های دینی و مذهبی (به ویژه جوانان)
- ضعف تولیدات فرهنگی نهادهای دینی؛
- آمیخته شدن فرهنگ دینی با اغراض شخصی؛
- فقدان نظام برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به علت نبود مدیریت واحد فرهنگی؛
- سرگرم شدن به درگیری‌های سیاسی و غفلت از مردم؛
- انفعال دستگاه‌های دینی و کاهش کارایی آنها به علت پدیده‌هایی هم‌چون توسعه‌ی شبکه‌های اطلاع‌رسانی و جهانی شدن؛
- سیاسی‌کاری نهادهای دینی (غلبه‌ی تصمیمات سیاسی بر تصمیمات منطقی و اصولی)؛
- خلأ نوعی سرپرستی مردمی در نهادهای دینی؛
- فقدان استراتژی و برنامه‌ی عمل مشترک از سوی نهادهای دینی؛
- اولویت یافتن منافع فردی و نهادی در برابر منافع جمعی و ملی؛

- نبودن دید کافی برای نمود بیرونی بناها و پنهان بودن آن‌ها در ساختمان‌های مرتفع مجاور؛
- متروکه شدن بناها و کاربرد نادرست از آن‌ها؛
- بی‌توجهی به هویت بناها و بهره‌برداری ناشایست و غیر اصولی از آن‌ها؛
- مشکل برنامه‌ریزی لازم برای بهره‌برداری اقتصادی از آن‌ها و جلب توریست؛
- محفوظ نبودن بناها در برابر عوامل جوّی و محیطی و تقویت نکردن سازه‌ی بناها؛
- تخریب بناها به دست برخی از مردم و از جمله خاک یادگاری (همشهری ۱۳۷۲).

شاید جامع‌ترین دیدگاه را بتوان به ابوالقاسمی و فرمهینی فراهانی منتسب کرد. آنان در یک بررسی تجربی نظام مند در زمینه‌ی آسیب‌شناسی توسعه‌ی فرهنگ دینی ایران در دو دهه‌ی گذشته با ۶۵ نفر از صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی مصاحبه کردند یا از طریق پرسشنامه نظرهای آنان را به دست آوردند. این بررسی به ابعاد گسترده و موضوعات متعدد در زمینه‌ی توسعه فرهنگ دینی در ایران از جمله نهادهای دینی و مساجد کنونی می‌پردازد. در بخش «تحلیل یافته‌های مربوط به آسیب‌شناسی نهادهای دینی ۲۸ موضوع بررسی شده و نتایج آن به تفکیک میزان و درصد نظرهای پاسخ‌گویان ارائه شده است. ضرورتی به بیان مجدد جزئیات این گزارش در این‌جا نیست اما موضوعات مورد بررسی آنان به مثابه‌ی مسائل یا آسیب‌های نهادهای دینی هستند و از این نظر می‌توانند کمک مهمی به شناخت نهادهای دینی بکنند.

- تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای دینی به علت نبودن برنامه ریزی جامع در مورد تقسیم وظایف؛
- تعدّد متولیان فرهنگی کشور (نهادهای و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده)؛
- شفاف نبودن جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و مأموریت‌های نهادهای دینی؛
- فقدان نظام شاخص‌سازی در عرصه‌های متنوع دینی؛

دیدگاه دیگر مشکل مساجد را در جذب جوانان و جلب توجه افکار عمومی، ناشی از عملکرد پایگاه‌های بسیج در مساجد می‌داند.

در این سال‌ها که بر انقلاب گذشته، شیوه‌های رفتاری اعضای پایگاه‌های بسیج مساجد آثار مثبت و جانبی کمی بر نهاده و بیشتر تأثیر دفعی در جوانان داشته است. بسیجیان به سبب صدق نیت و خلوص عمل و نیز به جهت دستوراتی که از مراکز فرماندهی به آن‌ها داده می‌شود، در سلسله مراتب نظامی خود مجبور به انجام اقدامات و رفتارهایی بوده‌اند که اگرچه لازم و ضروری بوده، تأثیرات آن‌ها در جوانان غیر مذهبی یا پسران و دخترانی که ایمان متوسط یا ضعیفی داشته‌اند، روند منفی طی داشته و خاطره‌ی بدی در اذهان آن‌ها بر جای گذاشته است. بر اثر این‌گونه رفتارها و به علت آشنا نبودن با روش‌های علمی تأثیرگذاری بر قشر جوان برخی جوانان و نوجوانان، از اعضای بسیج دل خوشی ندارند و ترجیح می‌دهند حتی الامکان از تصادم و برخورد با آن‌ها یا حتی همنشینی و هم‌کلامی با آن‌ها اجتناب کنند تا مجبور به پاسخ‌گویی به سؤالاتی نباشند که مایل به آن نیستند (طاهریان، ۱۳۷۹: ۵).

هم‌چنین دیدگاه دیگری وجود دارد که محیط فیزیکی مساجد و ساختمان آن را مناسب نمی‌داند و آن را عامل مؤثری در دفع مردم و جوانان از مسجد می‌انگارد. سازمان زیباسازی شهر تهران در مطالعه‌ی درباره‌ی ساختمان و بنای مساجد و آثار مذهبی شهر تهران گزارشی منتشر کرده است که در آن نقائص ساختاری و ساختمانی که از بررسی ۲۲ اثر مذهبی ثبت شده‌ی میراث فرهنگی به‌دست آمده نکات زیر را نشان می‌دهد:

- بی‌توجهی به مرمت و بازسازی این بناها؛
- رعایت نکردن نوع ساختار و بافت قبلی بناها در جریان مرمت‌های بعدی و افزودن بناهای مجاور به آن‌ها؛
- بی‌توجهی به حواشی بناها؛
- نبودن امکانات رفاهی لازم برای مراجعان (تأسیسات حرارتی، نورپردازی و...)
- ناهمگون بودن بافت ساختمان‌های مجاور یا بناها؛

- عدم وجود جاذبه برای استفاده از مسجد؛
 - عدم برنامه ریزی صحیح و وجود برنامه‌های کلیشه‌ای مسجد؛
 - خشک و تکراری بودن برنامه‌ها و موعظه‌ها؛
- این دیدگاه نیز وجود دارد که ناتوانی مساجد در نوآوری و اتخاذ شیوه‌ها و ابزارهای مناسب با ارزش‌ها و روش‌های روزآمد باعث کاهش اقبال مردم از آن‌ها شده است:
- در یک نگاه کلی، ساختار فکری، اداری، اجرایی و محیطی مساجد در سال‌های گذشته به‌گونه‌ای بوده که همپای تحولات سریع و پرشتاب جامعه رشد نکرده و تا حد زیادی سنتی باقی مانده است. متأسفانه تفکر رایج در مساجد این بوده که جوانی که شایستگی آمدن به مسجد و شرکت در نماز جماعت و گوش سپردن به مجالس و عظم و تذکر را ندارد، بهتر آن است که نیاید و به هر جا می‌خواهد برود. مسجد باید از وجود جوانان بد فکر و بدکردار پاک باشد» (طاهریان، ۱۳۷۰: ۷).
- اما برخی نیز از موضع اصول‌گرایانه به مساجد نگرسته‌اند و سازگاری مساجد را با تحولات روز باعث حاکمیت مدیریت مادی بر مساجد دانسته‌اند و از این رو معتقدند این رویکرد مساجد را از «مدیریت الهی» دور ساخته است. محمد رضا ناری‌ایبانه در مقاله‌ی «مدل کارکرد جهانی مساجد» (۱۳۸۲) در این زمینه می‌نویسد:
- «ایستایی نقش مساجد مانعی بر رشد روزافزون نیازمندی‌های اجتماعی ایران نشد و بنا به ضرورت تعطیل ناپذیری اداره‌ی جامعه، به تدریج فرایند اجرایی جامعه و اقبال مردم به ساختارهای خارج از مساجد معطوف شد. عدم توانایی و آمادگی نظری و عملی مساجد در تداوم سازماندهی، فشار نیازهای اجتماعی و خواست دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه دست به دست هم داد و اداره‌ی انقلاب اسلامی را از ساختار هماهنگ با خود جدا کرد. مدیریت الهی مساجد از جهت دهی به نیازهای مردم جای خود را به مدیریت مادی حاکم بر ساختارهای اجتماعی بر خواسته از پوزیتیویسم و اومانسیسم داد. هر قدر که تسلط ساختارهای ناهماهنگ بر جامعه بیشتر و قوی‌تر شد نقش و هویت واقعی مساجد در معادلات مختلف جامعه کم رنگ‌تر و فرعی‌تر گشت (ناری‌ایبانه، ۱۳۸۲: ۲۰).

«جمعیت مسجدرو» به خصوص کاهش جمعیت جوان، بیش از هر امر دیگری «مسأله‌ی مسجد» را به مثابه‌ی مسأله‌ای اجتماعی عینیت می بخشد و حکایت از تحولی در حوزه‌ی فرهنگ دینی جامعه می کند. آمار جمعیتی اگرچه مقوله‌ای کمی است، اغلب بیان کننده‌ی عمق و کیفیت پدیده‌های انسانی است. کاهش جمعیت مسجدرو به خصوص برای حکومت که نیازمند حضور عده‌ی بیشتر مردم در مساجد و به تعبیر رهبران سیاسی در «سنگر مسجد» هستند، به نوعی نشانه‌ی ناکامی سیاست های فرهنگی دولت در جذب مردم به سوی خود تواند بود. از طرف دیگر حضور مردم در سنگر مساجد، نه تنها برای دفاع از آرمان های حکومت، بلکه به مثابه‌ی نوعی هدف فرهنگی برای جمهوری اسلامی نیز هست. از این رو، این پرسش که چرا مردم اقبال لازم به مسجد ندارند پرسش بسیار راهبردی و اساسی از نظر سیاست گذاران دولتی است و در عین حال ارزش جامعه شناختی بسیاری برای شناخت وضعیت جامعه‌ی ایران دارد.

فرضیات متعددی در پاسخ این پرسش می توان مطرح کرد. در این زمینه با توجه به مجموعه‌ی بررسی های انجام شده دیدگاه های مختلفی وجود دارد. در ادامه به نحو اجمال این دیدگاه‌ها را بررسی می کنیم.

نقیب السادات در پژوهشی با عنوان «جایگاه مسجد در نزد افکار عمومی» (۱۳۸۰) ضمن مفروض گرفتن این نکته که میزان مشارکت و حضور مردم در مساجد بسیار کاهش یافته است، این کاهش را بیش از هر چیز به برنامه های مساجد و چگونگی و کیفیت اجرای آن‌ها منسوب می کند. حاصل بررسی تجربی وی درباره‌ی علل عدم تمایل جوانان به استفاده از برنامه های مسجد به موارد زیر اشاره می کند:

- عدم تنوع و یکنواختی (عدم وجود برنامه های مختلف، مناسب و جذاب)؛
- عدم آگاهی از برنامه های مسجد؛
- تبلیغات ضعیف؛
- وجود افراد تندرو؛
- برداشت خشک و غلط از دین؛
- عدم هماهنگی و تناسب برنامه های مسجد با تفکر و نیازهای جوان؛

تبیین علل این وضعیت مورد توجه قرار گرفت. این گفتمان‌های انتقادی تماماً سویه و جهت‌گیری ایدئولوژیک داشتند؛ به این معنا که هدف اصلی آن‌ها بیش از آن‌که شناخت وضع موجود و تبیین آن باشد، بیش از هر چیز معطوف به آرمان‌های معین و تلقی از وضع ایده‌آل و مطلوب و تغییر وضع موجود مطابق منافع گروه‌های اجتماعی معین بود. به علاوه، در این گفت و گوها هم‌چنان دولت در مرکز و کانون بحث قرار داشت. چه آن‌ان‌که به نقد سیاست‌های فرهنگی دولت می‌پرداختند و جهت‌گیری لیبرال‌تری داشتند و چه گروه‌های رادیکال سنتی، همه بر این باور بودند که دولت مسبب وضع موجود است و می‌توان با استفاده از دولت یا تغییر در سیاست‌های آن، وضع موجود را بهبود بخشید. در هر حال، نوعی بینش سیاسی به فرهنگ در تمام نگرش‌ها و گفتمان‌های انتقادی وجود داشت. در این فضای جدید، فرهنگ به مسأله‌ای جدی برای نهادهای سیاست‌گذار و در عین حال، سیاست‌های این نهادها نیز مسأله‌ای برای کشور مبتدل شد. با توجه به اهمیت و جایگاهی که دین در سیاست‌های دولت اسلامی ایران دارد، طبیعتاً بخشی از حساسیت‌ها بیش از هر چیز دیگر معطوف به مسأله‌ی فرهنگ دینی و توسعه و مسائل آن بود. موقعیت مساجد به‌ویژه اهمیت خاصی در این زمینه دارد؛ زیرا همان‌طور که دیدیم مسجد با توجه به نحوه‌ی نگرش ایدئولوژیک - انقلابی باید کانون اصلی توسعه‌ی فرهنگ دینی باشد. اما اکنون پس از گذشت سال‌ها عمر حکومت جمهوری اسلامی نه تنها این اتفاق رخ نداده بلکه همان‌طور که خواهیم دید اقبال عمومی به مساجد کاهش نیز یافته است. البته از آن‌جا که سنت شمارش «جمعیت مسجدرو» در ایران وجود ندارد، داده‌های دقیق آماری که بتوان به استناد آن میزان دقیق این جمعیت را بیان کرد در دست نداریم. اما اغلب کسانی که درباره‌ی مسجد مطالعه می‌کنند بر اساس مشاهدات و تجربه‌ی زیسته‌ی خودشان این نکته را تصدیق می‌کنند. هم‌چنین متولیان و برنامه‌ریزان امور مساجد نیز این امر را پذیرفته‌اند که جمعیت مسجدرو به‌خصوص در بین جوانان کاهش یافته است. اگرچه نمی‌توان تفاوت‌های ناشی از متغیرهای سنی، جنسی، تحصیلی، شغلی، محیطی (شهر، روستا، عشایر)، قومی، جغرافیایی و امثال این‌ها را در زمینه‌ی میزان حضور در مسجد نادیده گرفت؛ در هر حال در مجموع کاهش جمعیت مسجدرو مورد تأیید همگان است. این کاهش

سکولار حاکم بر ماهواره ها و اینترنت وجود دارد، حکومت اسلامی با چالش فرهنگی بزرگی در زمینه‌ی نحوه‌ی مدیریت فرهنگی جامعه‌ی ایران به طور کلی روبه‌رو شد. از سوی دیگر، در نتیجه‌ی رشد آموزش عالی، رشد میزان با سواد، رشد امکانات فرهنگی مانند افزایش نشریات، نشر کتاب، فرهنگ سراها، کتابخانه‌های عمومی، رشد خدمات جهانگردی و سفر، رشد کانال‌های تلویزیونی و رادیویی ملی و محلی و بسیاری تحولات فرهنگی دیگر نوعی «انقلاب فرهنگی» در ایران به وقوع پیوست. این انقلاب فرهنگی دارای بنیان‌هایی در ساختارهای اجتماعی کشور مانند افزایش میزان شهرنشینی و گسترش شهرها، افزایش جمعیت کشور، تغییر و تحولات در خانواده مانند کاهش سن ازدواج، افزایش طلاق، افزایش مسائل اجتماعی مانند بی‌کاری، اعتیاد، بزهکاری‌ها و جرم، و امثال این‌ها بود. تلاش‌های دولت برای مواجهه با این تحولات جز سازگاری و هم‌سویی با فضای فرهنگی جدید نبود؛ زیرا در نتیجه‌ی تحول ساختار هرم جمعیتی کشور به‌سوی جوان‌تر شدن، تقاضا برای آموزش، آموزش عالی و دسترسی به خدمات فرهنگی هر روز بیشتر می‌شد. در نتیجه، دولت هرچه بر دامنه‌ی فعالیت‌های خود می‌افزود، تحولات فرهنگی نیز به نحو تصاعدی سرعت می‌گرفت و هر روز بیش از روز قبل حال و هوای فرهنگی کشور تغییر می‌کرد.

برآیند کلی این تحولات در حوزه‌ی سیاسی ظهور دولت حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی با «گفت‌مان سازندگی» و دولت حجت الاسلام سید محمد خاتمی با «گفت‌مان اصلاحات» بود. در حوزه‌ی فرهنگ، جریان‌های متعددی به ظهور رسید. در واقع متکثر شدن حوزه‌ی فرهنگ از مهم‌ترین پیامدهای تحولات دهه‌ی اخیر بود. در این فضا گرایش‌های محافظه‌کارانه، لیبرال، رادیکال سنتی و مدرن به نحو علنی و آشکار به رقابت با هم برای دفاع از ارزش‌های مطلوب خود و در عین حال، جهت دادن به تغییرات در مسیر مورد نظرشان برآمدند. حاصل نهایی این رقابت‌ها غلبه‌ی گفت‌مان انتقادی بر مجموعه‌ی گفت و گوها در جامعه‌ی ایران شد. در این گفت و گوها که به «عرصه‌ی عمومی» یعنی رسانه‌ها، مطبوعات، کتاب‌ها و مراکز و محافل سیاسی و فرهنگی و حتی به گفت و گوهای فرهنگی روزمره‌ی عامه مردم نیز کشیده شد؛ از سویی نارضایتی از وضع موجود و از سوی دیگر

۲-۴- گفتمان ایدئولوژیک - انتقادی

برای شناخت و درک عمیق گفتمان ایدئولوژیک - انتقادی لازم است «بستر اجتماعی»^۱ و «زمینه‌ی فرهنگی»^۲ که این گفتمان در درون آن شکل گرفت و توسعه یافت، بشناسیم. ما در این جا از ذکر داده‌های آماری و منابع برای بیان و توصیف بستر اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی ایران دهه‌ی ۱۳۷۰ و بعد، پرهیز می‌کنیم و تنها تحلیل و توصیف خود را از فضای مورد نظر ارائه می‌دهیم؛ زیرا این فضا برای مخاطب ایرانی کاملاً آشناست و بخشی از تجربه‌ی زیسته‌ی آن‌ها بوده است. از طرفی نیز ناگزیر باید از اطاله‌ی کلام به هر نحو ممکن پرهیز کرد.

با شروع دهه‌ی ۱۳۷۰ فضای سیاسی و اجتماعی ایران حال و هوای دیگری یافت و با دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی که دوره‌ی شکل‌گیری دولت جدید انقلابی، حیات رهبری کارزماتیک بنیان‌گذار انقلاب و جنگ تحمیلی یا دوره‌ی «دفاع مقدس» بود، تفاوت اساسی کرد. با شروع دهه‌ی دوم دیگر سال‌ها از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی گذشته بود و به تدریج مردم انتظار داشتند تا دولت اسلامی و انقلابی به آرمان‌هایش مبنی تأسیس جامعه‌ی اسلامی، اخلاقی، مرفه، مترقی، عادلانه، به دور از فسادهای اداری و سیاسی و آرمان‌های دیگر جامه عمل بپوشد و انتظارات مادی و معنوی مردم را پاسخ دهد. از این زمان به بعد مردم تقاضا داشتند در سایه‌ی صلح و آرامش ناشی از تثبیت جمهوری اسلامی و پایان یافتن جنگ، از زندگی مرفه‌تر و از لحاظ فرهنگی رضایت بخش‌تر همراه با آزادی‌ها و در عین حال معنویت و اخلاق بیشتر برخوردار شوند. در عین حال، مجموعه‌ای از تحولات فرهنگی در عرصه جهانی و منطقه‌ای رخ داد که بناگزر جامعه‌ی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، به‌خصوص ماهواره‌ها و اینترنت دروازه‌های فرهنگی ایران را به سوی فضای فرهنگی جهانی و بین‌المللی می‌گشود و آشکارا سیطره‌ی دولت اسلامی در کنترل فضای فرهنگی جامعه‌ی ایران را به چالش می‌کشد. با توجه به تفاوت‌هایی که بین فضای فرهنگی دینی انقلاب اسلامی و فضای متکثر، لیبرال و

1-Social context

2-cultural background

مطالعه و قرائت خانه، توسعه ی کتابخانه ها و مؤسسات دیگر. با خاتمه یافتن جنگ حضور بسیج و ماهیت نظامی آن در مساجد می بایست توجه اجتماعی می یافت. هم چنین گستردگی و پیچیدگی ساختار بوروکراتیک مساجد نیازمند مدیریت متناسب با شرایط جدید بود و روش های سنتی از عهده ی انجام آن بر نمی آمد. هم چنین با تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور به تدریج جمعیت مسجدر و تغییر یافت و قشر جوان اقبال کمتری به مسجد نشان داد. ولی شاید مهم ترین پرسشی که در مقابل مسجد قرار گرفت این بود که آیا تغییر و تحول صورت گرفته در مساجد مطابق گفتمان ایدئولوژیک - انقلابی نتایج و پیامدهای عملی برای توسعه ی فرهنگ دینی و هم چنین اشاعه ی ارزش ها و باورهای انقلاب اسلامی داشته است؟

در پاسخ به این پرسش ها و بسیاری پرسش ها دیگر بود که نوعی گفتمان انتقادی اما وفادار به بنیان فکری و ارزشی گفتمان ایدئولوژیک - انقلابی به وجود آمد. این گفتمان ضمن پذیرش ماهیت و کارکردهای سیاسی مسجد، روش ها و سیاست های حکومت در نحوه ی استفاده و برخورد با مسجد در سال های بعد از انقلاب را نقد کرده و خواهان اتخاذ رویه ها و خط مشی های دیگری است. این گفتمان بیش از هر چیز بر شناخت دقیق وضع موجود مساجد تأکید می کند و خواهان بازبینی انتقادی رهیافت حکومت در زمینه ی مساجد است. بخشی از این گفتمان در جنبش و دولت اصلاحات بروز یافت. بخش دیگر آن در مطالعات و تحقیقات اجتماعی مربوط به مساجد و وضعیت دین و دینداری در کشور دیده می شود. مطبوعات و رسانه های جمعی نیز به صورت پراکنده به تحلیل و نقد گفتمان ایدئولوژیک انقلابی پرداخته اند. در این جا ما صرفاً به مطالعات و تحقیقات جامعه شناختی انجام شده می پردازیم زیرا این مطالعات به نحو دقیق تر و مفیدتری تمامیت این گفتمان را منعکس می سازد.

- * مکان رسیدگی اهل مسجد به فقرا و مستمندان ؛
- * دژری مستحکم در مقابله با تهاجم فرهنگی ؛
- * محل خنثی شدن توطئه‌های دشمن ؛
- * کانون جذب نوجوانان و جوانان ؛
- * محل ارتباط بین مدرسه و خانواده؛
- * پناهگاه فقرا و مستمندان و مسلمین؛
- * محل حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی؛
- * پایگاه بسیج ارتش بیست میلیونی ؛
- * مهم‌ترین محفل برای خواندن قرآن و نماز؛
- * پایگاه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن؛
- * محراب عبادت انبیاء و معصومین علیهم السلام؛
- * محل حضور عموم مردم، از قبیل کودک و نوجوان، زن و مرد؛
- * خانه‌ی مؤمنان و پرهیزکاران ؛
- * محل جلوس پیامبران و معصومین علیهم السلام و پاکان؛
- * محبوب‌ترین جای شهرها ؛
- * مکان باغ‌های بهشت؛ حضرت رسول (ص) فرموده است: چون به بوستان‌های بهشت رسیدند، از نعمت‌های آن بهره‌جویند، پرسیدند: بوستان‌های بهشت چیست؟ حضرت فرمودند: مساجد، پرسیدند: نعمت‌هایش چیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: سبحان الله و الحمد لله و لاله الا الله و الله اکبر.
- * محل تذکر و یادآوری قیامت؛
- * محل سخنرانی و موعظه و اندرز و بشارت؛
- * محل انس و الفت با خدا (به نقل از نقیب‌السادات).
- یکی از تأثیرات گفتمان ایدئولوژیک - انقلابی توسعه‌ی بوروکراتیک ساختار سازمانی مساجد از طریق افزوده شدن دفاتر و کانون‌هایی مانند پایگاه‌های بسیج، کانون‌های فرهنگی و هنری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، شرکت‌ها و فروشگاه‌های مصرف، سالن‌های

مأموریتی که به نحو سنتی جزء ساختاری کارکردهای مسجد محسوب می شد اما در نتیجه‌ی تحولات سیاسی دهه‌ی نخست انقلاب و به‌ویژه جنگ تحمیلی کمتر درباره‌ی آن صحبت می شد .

عباس عزیزی در کتاب «فضایل و آثار مسجد در آئینه‌ی قرآن و حدیث» (۱۳۷۶: ۱۱-۱۲) با بررسی متون دینی، تاریخی، ادبی و بررسی تعبیری که «کلام بزرگان، احادیث و آیات الهی و هم‌چنین رهبران انقلاب اسلامی است، مجموعه‌ای از عبارات درباره‌ی مسجد گردآورده است. این عبارات به‌خوبی زبان تبلیغی، فرم انقلابی و محتوای ایدئولوژیک «گفتمان ایدئولوژیک انقلابی مسجد» در سال‌های اخیر را نشان می دهد:

- * بزرگ‌ترین پایگاه انقلابیون در طول تاریخ؛
- * مرکز اعزام نیرو به جبهه‌ها؛
- * مرکز کمک به جبهه‌های حق علیه باطل؛
- * پایگاه فرهنگی و تربیتی اسلام؛
- * مرکز فقه و فقهات و بیان حلال و حرام؛
- * پایگاه اخلاق و در بین زندگی و چگونه زیستن و چگونه گفتن و چگونه خوردن؛
- * مکان تدریس، تفسیر قرآن و فلسفه و اصول عقاید و اخلاق؛
- * محل تشکیل کانون‌های فرهنگی و علمی و سیاسی؛
- * مرکز پرستش و عبادت خالصانه؛
- * مرکز تربیت نسل جوان، به گفته‌ی امام راحل: «این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد.»
- * مکان رسیدگی به گرفتاری روحی و اجتماعی و اقتصادی مردم؛
- * پایگاه دفاع از حق و اسلام و مسلمین؛
- * مرکز یادگیری احکام شرعی و دین مردم؛
- * محل مشاوره‌ی مشکلات فکری و روحی نوجوانان و جوانان؛
- * مرکز اجتماع بزرگ عموم مردم و حضور در نماز جماعت؛
- * محل ایجاد وحدت بین مسلمین؛

آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد. یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود خنثی کنند، چه بکنند؟ مأمورشان که رضا خان بود آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد. تمام منابر تعطیل شد؛ تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه خوانی همه از بین رفت» (همان: ۱۳۷/۷)

با توجه به نگرش ایدئولوژیک فوق مساجد به مثابه‌ی کانون‌هایی برای فعالیت سیاسی، تبلیغ ایدئولوژی انقلابی، اصلاح جامعه، و کانونی برای هدایت افکار عمومی تلقی می‌شد. با این برداشت از کارکردها و نقش‌های مسجد، انقلاب اسلامی تحقق یافت و در سال‌های نخست مرکز تبلیغ اشاعه‌ی ارزش‌ها و باورهای انقلابی و بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ضرورت بسیج مردم برای دفاع نیز به کانونی برای بسیج نیروهای مردمی مبتدل گردید. در نتیجه مسجد از لحاظ سیاسی نقش و اهمیت راهبردی در ساختار جامعه‌ی ایران در دهه‌ی نخست بعد از وقوع انقلاب اسلامی پیدا کرد. این امر باعث شد تا فهم تازه‌ای از مسجد در افکار عمومی شکل بگیرد. به علاوه، امکانات و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی تازه‌ای در مساجد متمرکز شد. این امر ضرورتاً مساجد را به رسانه‌ها و مطبوعات آورد و مسجد پاره‌ای از «گفتمان عمومی» نیز شد. از این‌رو، این گفتمان را می‌توان در رسانه‌های جمعی، مطبوعات، کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، جزوات تبلیغات دینی و سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی و نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، منابر و سخنرانی‌های درون مساجد، انتشارات مساجد و امثال این‌ها مشاهده کرد.

هدف این گفتمان در مرحله‌ی تبلیغ و تثبیت ارزش‌ها و باورهای اسلام ایدئولوژیک انقلابی و هم‌چنین بسیج نیروهای مردمی برای مشارکت در دفاع از کشور بود. اما در دهه‌ی دوم انقلاب و بعد از اتمام جنگ، با تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور، و با آشکار شدن مسائل اجتماعی مانند افزایش اعتیاد به مواد مخدر، کاهش جذابیت‌های اسلام سیاسی، گسترش ارزش‌های غیر دینی و وضعیتی که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب آن را «تهاجم فرهنگی» نامید، باعث شد تا توسعه‌ی فرهنگ دینی نیز به مأموریت‌های مسجد اضافه شود؛

اسلام فنی ۱... اما مذهب به عنوان ایدئولوژی، عقیده ای است که آگاهانه و براساس نیازها و ناهنجاری های موجود و عینی و برای تحقق ایده آل هایی که برای رفتن به طرف آن ایده آل، این فرد، این گروه و یا این طبقه، همواره عشق می روزیده، انتخاب می شود (به نقل از زکریایی، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

امام خمینی (ره) به مثابه رهبر انقلاب اسلامی می تواند بهترین راوی از این گفتمان محسوب شود؛ زیرا در سال های بعد از انقلاب سازمان های رسمی دولت و رسانه های جمعی و مطبوعات ایران با توجه به سخنان و نگرش ایشان به مسجد می نگریستند. در نگرش امام خمینی مسجد باید به کانون فعال سیاسی و اجتماعی و عبادی تبدیل شود. وی مسجد را در جامعه صدر اسلام الگوی ایده ال می دانستند و وضعیت موجود مساجد در قبل از انقلاب اسلامی را نادرست می خواندند.

«اسلام در مساجد منزوی بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند. در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ ها و مرکز سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده، این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر (ص) همان مسایل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسایل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ ها، از مسجد شروع می کردند این امور را. مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما، مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که کسی بگوید: من اسلام را محکوم می کنم. محکوم کردن اسلام به این است که آن چیزی که اسلام می خواهد، در مسجد زیر پا گذاشته شود» (امام خمینی: ۱۸، ۶۷-۶۸)

از نظر امام خمینی (ره) وضعیت مساجد به دلیل تأثیرات و برنامه هایی بوده است که دولت های غربی در یک فرایند تاریخی طولانی ایجاد کرده اند.

«تلاش های زیادی که شاید از سیصد سال پیش شده است، یعنی از وقتی که غریبه این جا راه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شرق آنها کرده اند، همه ی این ها را مطالعه کردند و به

مطالعات علوم اجتماعی، تاریخ، روان‌شناسی، اقتصاد و حقوق مدرن در زمینه‌ی دین از نظر جهت‌گیری روش‌شناختی بی‌طرفی ارزشی و همچنین نسبت فرهنگی و تکثرگرایی را به مثابه‌ی بنیان‌های اصلی روش‌شناختی و معرفت‌شناختی خود می‌پذیرد. از این‌رو دانشی که براساس این علوم تولید می‌شود دارای زبان هنجاری و تجویزی نیست و هدف اصلی آن ترویج و تبلیغ دین معین یا نفی و انکار آن نمی‌باشد بلکه تشریح و تحلیل انتقادی مهم‌ترین غایت آن محسوب می‌شود. این مطالعات را می‌توان تا حدودی یکی از زیرمجموعه‌های گفتمان سکولار به‌شمار آورد. در ایران با توجه به گسترش این رشته‌ها در چند دهه‌ی اخیر مطالعات اجتماعی دین گسترش یافته است. میرسنده‌ی در یک بررسی این مطالعات را تا سال ۱۳۷۷ معرفی می‌کند. اگرچه این بررسی نشان می‌دهد که مسجد به‌طور مستقل در مطالعات اجتماعی دین در ایران کمتر مورد توجه بوده است، رونق و گسترش این مطالعات در ایران کاملاً مشهود است (میرسنده‌ی، ۱۳۷۸).

البته یک روند و رویکرد مطالعات اجتماعی دین با هدف توسعه‌ی فرهنگ دینی در ایران و همچنین نقد رویکردهای غالب لیبرال و سکولار نیز در ایران وجود دارد که با رویکرد جامعه‌شناختی شریعتی آغاز می‌شود و در سال‌های اخیر به شیوه‌ای دیگر گسترش می‌یابد. ما در بحث «گفتمان ایدئولوژیک انتقادی» این مطالعات را بررسی و معرفی می‌کنیم.

۲-۳- گفتمان ایدئولوژیک - انقلابی

«گفتمان ایدئولوژیک انقلابی» بر اساس قرائت روشنفکران دینی مانند دکتر علی شریعتی و رهبران مذهبی انقلاب اسلامی به‌خصوص امام خمینی (ره) به‌وجود آمد. ریشه‌های این گفتمان در قرائت سیاسی و ایدئولوژیک از اسلام استوار است. شریعتی با نقد اسلام سنتی و اسلام سکولار، اسلام ایدئولوژیک را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

اسلام را دو تگه کرده اند. یک تکه اش را به‌صورت احکام عبادی و مراسم و شعائر ناآگاهانه‌ی تکراری موروثی، برای عوام عقب مانده، در تکیه‌ها و روضه‌ها و دوره‌ها. یک تگه اش به‌صورت رشته‌های تخصصی علمی و مدرسه‌ها و به قول بعضی، برای "اهل فن"!

لیبرال گزارش فوق را گزینش کردیم. اما مفهوم لیبرال در بستر جوامع مختلف یکسان نیست. در کشورهایی از نوع ایران بسط ارزش های لیبرالی براساس سیاست های مدرنیزاسیون که در دوره ی پهلوی صورت گرفت لزوماً به شکل الگوی مسجد لیبرالی در آمریکا منجر نشد. در این جا باید یاد آور شد که مهم ترین تبلور گفتمان سکولار در ایران را در تلقی رسمی رژیم پهلوی از اسلام و دین می توان مشاهده کرد. رضا شاه را می توان آغاز کننده ی سیاست ها و اقدامات عملی دولتی برای دور کردن دین از عرصه ی سیاست و هم چنین محدود ساختن نهادهای دینی مانند مسجد در جامعه دانست. تأسیس قوه ی قضاییه و استقلال کامل آن از نهاد روحانیت، گسترش آموزش و پرورش و نظام مدرسه ای جدید و برچیدن نظام مکتب خانه و روش های آموزش سنتی مبتنی بر تعالیم دینی، واگذاری مناصب و پست های اداری و سیاسی به غیر روحانیون و محدودسازی روحانیون برای ورود به سیاست، جلوگیری از هنجارها و نمادهای دینی مانند کشف حجاب، ایجاد آزادی برای هنجارهاشکنی های دینی خلاف شرع مانند آزادای شراب فروشی ها، اشاعه ی فرهنگ تعامل دو جنس مخالف بدون ملاحظه ی محدودیت های شرعی و امثال این ها. رضا شاه و بعد محمد رضا شاه سیاست های سکولاریزاسیون و مدرنیزاسیون را پذیرفته بودند و در این رویکرد نهاد مسجد نیز اگرچه می توانست آزادانه به فعالیت خود ادامه دهد، فعالیت های آن بیشتر محدود به برگزاری آیین های عبادی نماز جماعت، مجالس ترحیم و سخنرانی ها و وعظ دینی به دور از انگیزه ی سیاسی بود. در این رویکرد مسجد از عرصه ی عمومی دور شده است و کمترین مشارکت در سیاست را دارد. البته نمی توان این نکته را نادیده گرفت که روشنفکران و طبقه ی متوسط جدید شهرنشین ایرانی که در نتیجه ی تحولات جدید با ارزش های سنتی و دینی فاصله گرفته اند یا فهم لیبرالی و فردگرایانه از دین دارند، این گروه نیز مسجد را به شیوه ای لیبرالی و سکولار درک و فهم می کنند. از منظر این گروه دین و نهادهای آن نباید با فشار سیاسی یا اجتماعی مسلمانان را وادار به پیروی از هنجارها و باورهای دینی معینی نماید بلکه هر فرد باید بتواند به نحو آزادانه خود شیوه ی رفتاری اش را انتخاب کند. از منظر این گروه، مسجد صرفاً کارکردی نیایشی دارد و آن را پایگاهی برای مشارکت سیاسی نمی شناسند.

زمینه‌ی اسلام و فهم آن دیده شده است را گزارش می‌کند. او نشان می‌دهد با توجه به فقدان یک مرجعیت ثابت برای رهبری ایرانیان مسلمان در لس آنجلس، نقش امام در مسجد دگرگون شده است و گونه‌های مختلفی از فهم شریعت ظهور کرده است؛ به گونه‌ای که فقه و حقوق شرعی اهمیت کلیدی در دینداری مسلمانان این منطقه ندارد و خانواده‌های مذهبی مسلمان در تربیت کودکان چندان بر اصول فقهی و شرعی تأکید ندارند. در زمینه‌ی مسجد نیز این تغییرات مشاهده می‌شود. برای مثال، او از امامت جماعت زنان نام می‌برد که بر خلاف فقه اسلامی است.

مسأله‌ی زنان و نقش آنان در مسجد تاکنون کمتر توجه محققان جوامع اسلامی را به خود جلب کرده است، حتی محققان فمینیست مسلمان که درصدد روشنگری زنان مسلمان هستند هم کمتر علاقه‌ای به این گونه امور از خود نشان داده‌اند. اما زنان، به تعبیر ماریا جاشوک و شویی جینگجون، مؤلفان کتاب «تاریخ مساجد زنان در مساجد چینی: مسجدی برای خود زنان» (جاشوک و جینگجون^۱ ، ۲۰۰۰) با به‌کار بستن تجربه و خواسته‌های خود در فهم اسلام و نهادهای آن «انقلابی در زمینه‌ی مسجد» به وجود آورده‌اند. زنان مسلمان چینی که بیش از ده میلیون تن هستند در چین مساجد مخصوص خود ساخته‌اند. در این مساجد همه چیز از سوی زنان اداره می‌شود و همه چیز برای زنان، از آن زنان و توسط زنان شکل گرفته است؛ حتی امام جماعت مساجد هم نیز زن است. مطابق گزارش جاشوک و جینگجون واژگان «*N usi*» یا «مسجد زنان» و «*N -ahong*» به معنای «امام زن» در زبان چینی واژگان جافتاده و پذیرفته‌ای هستند. این امر حکایت از نوع تلقی جافتاده و کاملاً متفاوت مسلمانان چینی از اسلام و شرع می‌کند. این الگوی زنانه‌ی مسجد در جامعه‌ی سکولار شده‌ی چین شکل گرفته است و با الگوی مردانه‌ی مسجد در سایر نقاط جهان اسلام تفاوت دارد.

توصیف‌های مذکور الگوی مسجد لیبرال در یک جامعه‌ی لیبرال است. در این جامعه‌ی لیبرال البته مساجد با ساختار و مدیریت مبتنی بر ارزش‌های بنیادگرایانه، محافظه‌کارانه و الگوهای دیگر نیز وجود دارد. ما به منظور نشان دادن یک نمونه‌ی عینی از الگوی مسجد

زیادی از مسلمانان آمریکا مسجد نقش عمده‌ای در پیوند آن‌ها با یک‌دیگر دارد. به‌خصوص برای زن‌ها که مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مسجد و حضور در مجالس، آن‌ها را از حالت انزوا در می‌آورد» (همان: ۸۸). «در یک مسجد دیگر متوجه شدیم که اعضای مسجد هر سال به صورتی انتخابی یک امام جماعت معین می‌کنند...» (همان: ۹۶). «امام مسجد چه داوطلبانه و مجانی خدمت کند و چه در مقابل حقوق... در هر حال امام و رهبر انتخابی است و خود مؤمنین او را انتخاب می‌کنند و از جانب هیچ قدرت و مقامی خارج از مسجد منصوب نمی‌شود» (همان: ۹۷). «میزان تقید به پوشش اسلامی در مساجد مختلف متفاوت است. در بعضی از مراسم نماز جمعه زنانی دیده می‌شوند که با دامن بلند و آستین بلند اما بدون روسری به نماز می‌ایستند. پاکستانی‌ها با همان لباس سنتی خود موسوم به ساری در مسجد حاضر می‌شوند. این بی‌توجهی در بسیاری از مساجد به چشم می‌خورد» (همان: ۲۰۰). «در بسیاری از نواحی آمریکا تجمع مسلمانان در مساجد بیشتر به مجالس خانوادگی شباهت دارد تا به یک گردهمایی عبادی و دینی و سازمان مسجد و مرکز اسلامی با نفوذ روش‌های دموکراتیک از شکل سنتی خارج شده است و اداره‌ی مسجد و مسائل مالی و مقررات و اساسنامه‌ها همه به شیوه‌ی نظر خواهی و انتخابات دموکراتیک صورت می‌گیرد (همان: ۲۴۷). حداد و لومیس توضیح می‌دهند که در سال‌های اخیر الگوی لیبرال مسجد با چالش‌های جدی‌نگرش‌های اصولگرا و بنیادگرایانه مواجه شده و به شدت حال و هوای مساجد تغییر کرده است. و البته با تغییر حال و هوای مساجد جوانان نیز اقبال کمتری به مسجد نشان داده‌اند. «مسلمانان غیر مأنوس با مسجد که بیشتر در میان نسل دوم و سوم به چشم می‌خورند و در مجموع حدود هشتاد تا نود درصد جمعیت مسلمان آمریکا را تشکیل می‌دهند ارتباطی با مسجد ندارند» (حداد و لومیس، ۱۳۷۱: ۲۳).

مطالعات دیگر درباره‌ی مسلمانان در آمریکا توصیفی کم و بیش مشابه از وضعیت مسجد لیبرال شده‌ی حداد و لومیس ارائه می‌کند. برای مثال، کامبیز قانع‌ی بصیری در کتاب «برداشت‌های رقیب از اسلام در ایالات متحده‌ی آمریکا: مطالعه‌ی درباره‌ی لس‌آنجلس» به بررسی ایرانیان مسلمان در لس‌آنجلس می‌پردازد. در این مطالعه بصیری سعی می‌کند نشان دهد «اسلام چگونه در آمریکا فهم شده است» و برای این منظور تغییراتی که در

مسأله باعث شده است بین مسلمانان آمریکا در زمینه‌ی شیوه‌ی مدیریت مساجد اختلاف نظر و گاه تنش‌های جدی به وجود آید. در این‌جا نمونه‌ای از برخی هنجارها و فرهنگ حاکم بر مساجد لیبرال را بیان می‌کنیم (حداد و لومیس، ۱۳۷۱: ۱۸).

حداد و لومیس می‌نویسند: «مسلمانان مورد مطالعه‌ی ما از نظر درجه‌ی اعتقاد و پای‌بندی به احکام اسلام متفاوت‌اند... در بافت جامعه‌ی آمریکا، می‌توان سه نوع مسلمان متمایز را نام برد که قابل انطباق با مسیحیان نیز می‌باشند: یک گروه مسلمان لیبرال که تقریباً غیر عامل به احکام اسلام و بی‌اعتنا به مسجد و عبادتند... گروه دیگر مسلمانانی هستند که به تقوای فردی و زندگی دوری از محرّمات پایبند هستند و نیز سعی دارند مسلمانان گریزان از دین را به سوی اسلام جلب کنند. گروه سوم مسلمانانی هستند که مقید به اسلام بوده و در سازمان‌های منسجم و دارای روابط محکم بین‌المللی گرد آمده‌اند و بر هویت خویش به شدت تأکید می‌ورزند. این گروه همه چیز را با دید اسلامی می‌نگرند و در راه ایجاد و اداره‌ی جوامع اسلامی زیر نظر دولتی اسلامی فعالیت می‌کنند و در پی تحقق نظام اسلامی هستند (همان: ۳۵-۳۶).

«بیش از نیمی از افراد مصاحبه اظهار داشتند که می‌توان بدون رفتن به مسجد مسلمان خوبی هم بود» (همان: ۵۹). یکی از مصاحبه‌کنندگان درباره‌ی یکی از مساجد می‌گوید: «در این مسجد دوش آب و حمام وجود دارد، مراسم جشن و عروسی به مناسبت‌های مختلف تشکیل می‌شود، بازی‌ها و سرگرمی‌های جوانان و حتی مجالس رقص به مناسبت اعیاد محلی بر پا می‌شده است و مردان و زنان در کنار هم به نماز می‌ایستادند» (همان: ۶۸). درباره‌ی مسجد دیگری می‌نویسند: «آنان وظیفه‌ی اصلی مسجد را انجام فرایض دینی می‌دانند. بنابر این، به نظر عده‌ی زیادی، حتی به نظر آن‌هایی که خود به مسجد نمی‌روند، مسجد وظیفه دارد نمازهای جمعه و جماعت را برپا دارد. شایان ذکر است که اگرچه اکثر مسلمانان برای جمعه، یکشنبه‌ها به نماز جماعت می‌روند، ولی اقلیتی از آنان بر این مسأله (یعنی ادای نماز جمعه در یکشنبه به جای جمعه) به عنوان یک امر مهم تأکید می‌کنند» (همان: ۷۶). «در آمریکا مرسوم شده است که مراسم عقد اسلامی و مجلس جشن عروسی در مسجد برگزار شود» (همان: ۸۶). «امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که برای تعداد بسیار

۲-۲- گفتمان سکولار

این گفتمان مبتنی بر رهیافت‌های لیبرال است که در پی فرایندهای مدرنیزاسیون یا نوگرایی و نوسازی در کشورهای اسلامی به وجود آمده است. راف ویلیام در کتاب «اسلام و اقتصاد سیاسی معنا» (۱۹۸۷) درباره‌ی رهیافت لیبرال به مسجد می‌نویسد: «در رهیافت لیبرال، مسجد هم از حیث روال‌های درونی و هم از حیث تنظیم روابط خود با دیگر مراکز و مؤسسات، قواعد بازی آزادی‌خواهی را رعایت می‌کند و در هیچ یک از رفتارهای خود از اصل ارادی، خودمختارانه بودن و داوطلبانه بودن حضور افراد در انواع فعالیت‌ها (چه نیایشی و چه اجتماعی) عدول نمی‌کند» (به نقل از محمدی: ۲۷۱). محمدی در تشریح این رهیافت می‌نویسد: «بر اساس رهیافت لیبرال، مسجد یک مرکز دینی است که افراد به نحو داوطلبانه و خودمختارانه به آن می‌پیوندند و نه خود هیچ اجبار و اکراهی را در چارچوب فعالیت‌های مسجد می‌پذیرد و نه اجبار و اکراهی را بر دیگران تحمیل می‌کند. هر آن‌چه هست توافق‌ها و قراردادهایی است که جمع مؤمنان آن‌ها را براساس قواعد بازی دموکراتیک میان خود وضع می‌کنند» به اعتقاد محمدی «لیبرال بودن در این‌جا به روش عمل مساجد اطلاق می‌شود و نه به محتوای آموزش‌هایی که در آن‌ها عرضه می‌شود» (همان). شاید الگوی ایده آل مسجد لیبرال را بتوان برخی از مساجد موجود در آمریکا دانست. حداد و لومیس در مطالعه‌ی شان درباره‌ی «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایلات متحده‌ی آمریکا» (۱۳۷۱) معتقدند که تا سال ۱۹۹۰ تعداد ۵۹۸ مسجد بنا شده است. این مساجد «توسط افراد و گروه‌ها به منظور گردهم‌آیی و بررسی نیازهای مذهبی و اجتماعی مسلمانان هر ناحیه برپا گردید» این مساجد با توجه به شرایط محیط اجتماعی و هم‌چنین ساختار ارزش‌های مهاجران مسلمانی که این مساجد را تأسیس کرده‌اند، به گونه‌های مختلفی از نظر شیوه‌ی اداره و جهت‌گیری ارزشی آن‌ها تقسیم می‌شوند. مساجد مسلمانان مهاجر اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم تأسیس شده است. به علت هضم و جذب مسلمانان در فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی در نتیجه‌ی زندگی طولانی در این کشور، مساجد آنان ساختاری لیبرالی دارد؛ اما مساجد جدیدی که مسلمانان مهاجر که در دهه‌های اخیر به آن‌جا کوچ کرده‌اند تأسیس شد، دارای گرایش سیاسی و بنیادگرایانه تری هستند. این

مسلمانان، در این گفتمان مسجد کانون اصلی جامعه‌ی اسلامی شناخته می‌شود و کلیه‌ی امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از طریق مسجد صورت می‌گیرد. از این نظر تفاوت اساسی بین الگوی ایده آل مسجد و الگوی ایده آل کلیسا دیده می‌شود. «نسبت بین مسلمان و مسجد به گونه‌ای تعریف شده است که مسلمانان در تماس و ارتباط دائمی با مسجد هستند، در صورتی که مسیحی می‌تواند کلیسا را حاشیه‌ای بسیار فرعی از زندگی خویش تلقی کند. مسلمانان روزی سه یا پنج بار به مسجد رجوع می‌کنند و از این حیث فاصله‌ای میان آن‌ها و مسجد قابل تصور نیست» (محمدی: ۲۶۴). همچنین «عبادت در نگاه مسلمانان به اعمال خاص مذهبی محدود نمی‌شود و هر عملی که با نیت خدایی و به قصد قربت به او انجام شود عبادت محسوب می‌شود. از این جهت علاوه بر فعالیت‌های اصلی (نمازهای یومیه و جمعه) و فرعی (جلسات ذکر و قرائت قرآن و سخنرانی) که مشخصاً وجه مذهبی دارند، انواع فعالیت‌های دیگر می‌توانند توجیه مذهبی پیدا کرده و به قلمرو مسجد راه پیدا کنند» (همان: ۲۶۵). به همین دلیل معماری و فضای مساجد به‌گونه‌ای است که بتوانند کارکردهای عبادی و کارکردهای اجتماعی گسترده داشته باشند. اما این‌که کدامیک از کارکردهای عبادی یا کارکردهای اجتماعی غلبه داشته باشند و سهم هر کدام چگونه و کجاست، تابع شرایط اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی و سیاسی است که مسجد در آن قرار گرفته است.

این تفاوت‌ها زمینه‌ی ظهور گفتمان‌های دیگر را به‌وجود می‌آورد. البته باید در نظر داشت که در هر دوره‌ای تاریخی هر یک از جوامع اسلامی بر این باور بوده‌اند که قرائت و فهم آنان از مسجد متناسب و در امتداد گفتمان سنتی بوده است و سعی داشته‌اند که گفتمان سنتی به مثابه‌ی گفتمان اصیل و مرجع همواره بازتولید شود. اما ضرورت‌ها و شرایط اجتماعی، لاجرم اجازه‌ی بازتولید صرف این گفتمان را نداده است و متناسب با نیازها گفتمان تازه‌ای را خلق کرده است. از این‌رو گفتمان‌های دیگر از جهاتی با گفتمان سنتی مشابه و از جهاتی با آن‌ها متفاوت هستند.

توجه به این نکته و بر اساس مجموعه کتاب‌ها و مقالات و تحقیقاتی فهرست شده در «کتابشناسی مسجد» (۱۳۸۴) و کتابشناسی منتشر نشده‌ی «کتابخانه‌ی تخصصی شبستان»، می‌توان چهار گفتمان اصلی مسجد را در ایران معاصر را از یک‌دیگر تفکیک کرد. ۱- گفتمان سنتی؛ ۲- گفتمان سکولار؛ ۳- گفتمان ایدئولوژیک - انقلابی؛ ۴- گفتمان ایدئولوژیک - انتقادی. در این مطالعه ویژگی‌های کلی هر یک از این گفتمان‌ها و درونمایه‌های اصلی آن‌ها معرفی و تحلیل می‌شود و تمرکز اصلی مؤلف بر محور گفتمان ایدئولوژیک انتقادی خواهد بود؛ زیرا این گفتمان بیشتر مبتنی بر تحقیقات جامعه‌شناسانه است و مسائل کنونی سازمان مسجد را بهتر بیان می‌کند. همچنین تذکر این نکته لازم است که شرح جزئیات مباحث مسجد در متون شیعی و ایرانی از عهده‌ی مطالعه حاضر بیرون است و متون دینی متعدد در این زمینه موجود است (عزیزی، ۱۳۷۶). اما از آن‌جا که فهم گفتمان‌های اجتماعی موجود مسجد مستلزم شناخت گفتمان دینی است، اجمالاً به آن اشاره می‌کنیم.

۲- گفتمان سنتی

این گفتمان به‌طور طبیعی در جریان ظهور دین اسلام و تکامل و توسعه‌ی آن در بستر زمان شکل گرفت و تحول یافت و در قرآن، احادیث و سیره و سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی شیعه (ع) منعکس شده است. این گفتمان متناسب نیازها و شرایط صدر اسلام تبیین‌کننده‌ی مباحث کلیدی و اولیه درباره‌ی ابعاد مختلف مسجد، مانند: تبیین و تعریف مسجد، معیارهای ساخت و معماری و فضای آن، شرایط حضور در مسجد، الگوهای و هنجارهای رفتاری در مسجد، نقش‌ها و کارکردها و کاربردهای آن، جایگاه مسجد در دین اسلام و همچنین شرایط و ویژگی‌های رهبری مسجد و امام جمعه و جماعت بوده است. این گفتمان را می‌توان در متون مقدس، کتب فقهی و دینی، تاریخی، جغرافیایی، اخلاقی و ادبی جستجو کرد. در این متون هدف اصلی تبلیغ و ترویج و توصیف مسجد به مثابه‌ی نهادی مقدس با کارکردهای اجتماعی متعدد است. با توجه به شرایط جامعه‌ی مسلمانان صدر اسلام و الگوی ایده‌ال اسلامی و عدم تفکیک پذیری نهادی در اجتماع

سازمان‌های دینی، کارکردهای سازمان‌های دینی، تأثیر دولتی شدن مراکز و سازمان دینی در پذیرش و اقبال مردم از این نهادها، منزوی شدن یا کاهش مشارکت مردم در سازمان‌های دینی، تأثیر دولتی شدن بر کارکردها و فعالیت‌های نهادهای دینی، میزان توانایی دولت برای حمایت و مدیریت مراکز و سازمان‌های دینی، و مسائلی از این نوع در جامعه‌ی ایران طرح شد. در نتیجه مجموعه‌ی فرایندها و تحولات مذکور دانش انبوهی در باره‌ی دین در ابعاد مختلف آن طی دو دهه‌ی گذشته راجع به دین و سازمان‌های دینی تولید شده است. همان‌طور که گفتیم بدون تردید ذهن ما از سرچشمه‌های فرهنگ و جامعه سیراب می‌شود و این دانش انبوه دین پژوهی و گفت و گو درباره‌ی دین در ایران از تحولات فرهنگ و جامعه‌ی ایران و تحولات جهانی سرچشمه می‌گیرد.

تا آن‌جا که اطلاع داریم تاکنون گفتمان‌های مسجد و سازمان‌های دینی در ایران معاصر به صورت تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی فوق‌معرفی و تحلیل نشده است؛ اگرچه مباحث مربوط به دین و دین پژوهی به نحوه‌ی گسترده‌ای توسعه یافته و گفتمان‌های دینی و به‌خصوص روشنفکری دینی کانون توجه بسیاری بوده است. از این رو در این‌جا بیش از هر چیز ما به معرفی این گفتمان‌ها می‌پردازیم و از تحلیل «کنش‌های گفتمانی» در این عرصه صرف نظر می‌کنیم. در این مطالعه چهار گفتمان شامل گفتمان سنتی، گفتمان سکولار، گفتمان ایدئولوژیک انقلابی، و گفتمان ایدئولوژیک انتقادی به مثابه‌ی گفتمان‌های غالب در مسجد ایران معرفی و ویژگی‌های هر کدام جداگانه تحلیل می‌شوند. سپس با تأکید و تمرکز بر گفتمان ایدئولوژیک انتقادی که مبتنی بر تحقیقات جامعه‌شناختی است ضمن ارائه‌ی نمونه‌هایی از این تحقیقات، مسائل کنونی مساجد در ایران شناسایی و بررسی می‌شوند. بخش پایانی، فصل مجموعه‌رهیافت‌های روش‌شناختی برای مطالعه‌ی مسجد است.

۲- گفتمان‌های مسجد در ایران

مجموعه‌گفتمان‌هایی که در زمینه‌ی مسجد در ایران شکل گرفته است باید در بستر تحولات تاریخی-اجتماعی ایران، تلقی‌ها و قرائت‌های مختلف از دین و به‌خصوص نسبت آن با سیاست و حکومت، و همچنین جهان‌بینی و فقه شیعی مورد بررسی قرار گیرد. با

با توجه به رویکرد جامعه شناسانه ی مذکور می توان در نگاهی اجمالی وضعیت مسجد در بستر دوره ی تاریخ معاصر ایران را که به پیدایش گفتمان های مختلف مسجد منجر شده است به صورت خلاصه به نحو زیر بیان داشت. تحول از سنت به مدرنیته، روشنگری، انقلاب صنعتی، انقلاب شهرنشینی، انقلاب اطلاعات و ارتباطات، تحول در نهادهای اجتماعی مانند خانواده و آموزش و پرورش و رشد فرایند های «تفکیک پذیری نهادی»، عقلانی شدن، بوروکراتیزاسیون و دموکراتیزاسیون از قرن نوزدهم به بعد تا دهه های پایانی قرن بیستم و هم چنین تحولاتی که در نیمه ی دوم این قرن به وقوع پیوست، به خصوص فرایندهای جهانی شدن و پست مدرنیسم، جملگی تحولات و بستر تاریخی-اجتماعی بوده اند که شیوه ی تفکر ما را درباره ی نهادهای دینی شدیداً تحت تأثیر قرار داده و باعث شکل گیری گفتمان های مختلف درباره ی دین و نهادهای دینی شده است.

این تحولات در جامعه ی ایران قرن بیستم همواره به نحوه ی بارزی انعکاس یافته و تحولات سیاسی مانند انقلاب مشروطیت، روی کار آمدن خاندان پهلوی و انقلاب اسلامی و تحولاتی که بعد از انقلاب اسلامی رخ داده است، هر کدام زمینه ی ظهور گفتمان های مشخصی درباره ی دین و مراکز و سازمان های دینی ایجاد کرده است. تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ارتباط تنگاتنگی با مقوله ی مذهب داشته زیرا مذهب همواره از دوره های باستان تا امروز یکی از مهم ترین بسترهای سازنده ی هویت ایرانی بوده است. مواجهه ایران با دنیای مدرن و تعارض ها و تقابل های میان سنت و مدرنیته بیش از هر جای دیگر در تقابل دین و مدرنیته تبلور یافته است. این تقابل زاینده ی آگاهی در هر دو گروه طرفداران سنت و طرفداران مدرنیته بوده است. این تقابل باعث شکل گیری گفتمان های متعدد لاییک، سکولار و مذهبی بین روشنفکران و نخبگان فکری، سیاسی و فرهنگی از طیف های مختلف با شدت و ضعف های گوناگون شده است.

از طرف دیگر، وقوع انقلاب اسلامی و پیدایش حکومت دینی در ایران باعث اهمیت یافتن مجدد و مضاعف مذهب در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ی ایران شد. در چنین بستری لاجرم مباحث مهمی مانند شیوه ی ارتباط حکومت با نهادهای دینی مانند مسجد، شیوه ی مدیریت و سازماندهی مراکز و سازمان های دینی، جایگاه مردم در

۱- مقدمه: طرح مسأله

مطالعه‌ی حاضر کوششی برای درک و شناخت مسجد به مثابه‌ی سازمان دینی از منظر جامعه‌شناسانه با تمرکز بر شناخت گفتمان‌های مساجد در ایران دوره‌ی معاصر است. عنوان مقاله به قدر کافی گویای هدف ماست: این که چگونه می‌توان مسجد را در بستر جامعه‌ی مدرن شناخت؟ پاسخ ما این است که گفتمان‌های موجود در زمینه‌ی مسجد به درستی می‌توانند مسجد را در بستر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی با رویکرد جامعه‌شناسانه آن بشناسانند. منظور از رویکرد جامعه‌شناسانه، تحلیل مسجد به مثابه‌ی نهاد اجتماعی و پیوند آن با جامعه است. از این منظر ما نگرش بیرون دینی به مسجد داریم و درصدد ارزیابی درون دینی یعنی مسجد از منظر معارف اسلامی نیستیم. منظور از گفتمان‌های اجتماعی نیز مباحث و نظریات و تلقی‌های مختلف از مسجد است که در هر دوره و شرایط تاریخی متناسب با آن شرایط شکل گرفته و در آرا و آثار محققان و عاملان مسائل دینی و نظریه پردازان اجتماعی و نویسندگان یا رسانه‌های گروهی و مطبوعات منعکس شده است. پیش فرض بنیادین ما در این مطالعه آن است که این گفتمان‌ها بیش از آن که زاده‌ی ذهنیت و خلاقیت فردی گروهی از نظریه پردازان و نویسندگان تحلیلگر مسائل دینی و اجتماعی باشد، زاده‌ی ساختارهای اجتماعی-تاریخی و فرهنگی است. از این رو برای شناخت آن باید به شکل بندی‌های بیرون ذهنی توجه داشت؛ اگرچه این امر به معنای انکار نقش فاعلیت نویسندگان و تحلیلگران نیست و این درس را از فوکو آموخته ایم که گفتمان‌ها با کیفیات سیاسی قدرت و در عین حال ذهنیت فردی تلاقی پیدا می‌کنند. از این منظر، آنچه درباره‌ی کلیسا و مسجد طی تاریخ گفته و اندیشیده شده است در بستر تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع مختلف قابل درک است. پیش فرض دیگر ما این است که «نهاد‌های اجتماعی شامل «صورت بندی‌های ایدئولوژیک-گفتمانی»، گوناگونی هستند که با گروه‌های مختلف در درون نهاد پیوند دارند، و از میان این صورت بندی‌ها معمولاً یکی بر دیگران مسلط است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۵). بنابر این، ما تلاش کرده ایم گفتمان‌های مسلط را شناسایی و تحلیل کنیم و گفتمان‌های حاشیه‌ای را نیز نشان دهیم.

پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی

«ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی»

نیمه اول سال ۱۳۸۷

مسجد و مدرنیته: مروری تحلیلی و جامعه‌شناختی به

گفتمان‌های مسجد در ایران

نعمت‌الله فاضلی*

چکیده

هدف این مقاله شناخت جامعه‌شناسانه‌ی مسجد با تکیه بر شناخت گفتمان‌های مسجد در ایران دوره‌ی معاصر است. سؤال اصلی ما این است که چگونه می‌توان مسجد را در بستر جامعه‌ی مدرن شناخت؟ برای این منظور به کمک تحلیل گفتمان‌های مسجد، این نهاد را در بستر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آن قرار می‌دهیم. از این منظر ما نگرش بیرون‌دینی به مسجد داریم و درصدد بررسی مسجد از منظر معارف اسلامی نیستیم. منظور از گفتمان‌های مسجد نیز مباحث، نظریات و تلقی‌های مختلف از مسجد است. این گفتمان‌ها در هر دوره و شرایط تاریخی متناسب شرایط خاص هر دوره شکل گرفته‌اند؛ و در آرا و آثار محققان، روحانیان، نویسندگان، رسانه‌های گروهی و مطبوعات منعکس شده است.

در این مطالعه چهار گفتمان شامل گفتمان سنتی، گفتمان سکولار، گفتمان ایدئولوژیک-انقلابی، و گفتمان ایدئولوژیک-انتقادی به مثابه‌ی گفتمان‌های غالب مسجد در ایران معرفی و ویژگی‌های هر کدام جداگانه تحلیل می‌شوند. سپس با تأکید و تمرکز بر گفتمان ایدئولوژیک انتقادی که مبنای بر تحقیقات جامعه‌شناختی است ضمن ارائه‌ی نمونه‌هایی از این تحقیقات، مسائل کنونی مساجد در ایران شناسایی و بررسی شده‌اند. بخش پایانی، فصل مجموعه رهیافت‌های روش‌شناختی برای مطالعه‌ی مسجد است.

واژه‌های کلیدی: مسجد، گفتمان‌های مسجد، گفتمان سنتی، گفتمان سکولار، گفتمان

ایدئولوژیک - انقلابی، گفتمان ایدئولوژیک - انتقادی

* نویسنده مسئول - استادیار انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر وابسته به مدرسه‌ی مطالعات شرق و آفریقای دانشگاه لندن